



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵ / ۰۶ / ۲۳

یونس نگاه

ملا هبت الله مثل ترکی و کرزی دچار توهم نقش تاریخی است

لشکرکشی امریکا و متحدان اش به افغانستان کمتر به جنگ و بیشتر به جشن نظامی و دیپلوماتیک می ماند. ماموریت ظاهری آن لشکرکشی مبارزه با تروریسم بود، ولی از شعارها و رفتار صاحبان لشکرها پیدا بود که به بهانه جنگ با تروریسم، هیجان ناشی از «فتح» جهان و پیروزی «لیبرال دموکراسی» در برابر «کمونیسم» را نیز تخلیه می کردند. آنان در پایان رویارویی طولانی برنده شده بودند، و احساس می کردند که کشمکش تاریخی بر سر نظام سیاسی و اداره جهان به پایان رسیده و زمان آخرین پاکسازیها و استقرار نهایی دموکراسی امریکایی است.

افغانستان که آخرین سنگر داغ جنگ نیابتی «دموکراسی» و «کمونیسم» خوانده می شد، مناسبترین جای چنان جشن بود. در آن میله برندگان، رهبران حکومت مورد حمایت امریکا در افغانستان نیز احساس می کردند که بازیگر مهم شده اند. توهم بزرگی، نفوذ و قدرت در بیشتر مسوولان حکومتی افغانستان آشکار بود. از موتر، خانه، چپن، نشست و برخاست، و سخنرانی های آنان تکبر می ریخت. کرزی که در مقایسه به برخی حریفان داخلی آدم متواضع به نظر می رسید، در سایه پول فراوان و قدرت بی رقیب امریکا و ناتو خود را بازیگر عرصه بین الملل تصور می کرد. این توهم در سخنرانی هایش آشکار بود. مثلاً در سال ۲۰۱۳ برای آنکه نقش خود و جایگاه افغانستان را در عرصه بین الملل گوش زد کند، در مصاحبه ای گفت اگر «این مظالم در بورکینه فاسو هم رخ می داد، اعتراض می کردم». بورکینه فاسو کشور افریقایی نسبتاً گمنام و منزوی است. در آن سالها کرزی از شناخته ترین نامها در رسانه های بین المللی بود، ولی نام رییس دولت بورکینه فاسو را شاید عده ای از خبرنگاران مشهور رسانه های بین المللی نمی دانستند. کرزی ظاهراً حق داشت خود و کشورش را بسیار مهمتر از بورکینه فاسو بداند، چرا که در مرکز توجه جهان بود. اما پس از آنکه جامعه جهانی سایه حمایت های سیاسی و مالی خود را از سر کرزی و دوستانش برچید، از رییس جمهور تا مارشال و امپراتور و رهبر همه بی پناه شدند، و کشور به دامن گروه تروریستی سقوط کرد که آشکارا با آزادی، حقوق بشر، تعلیم و دموکراسی می جنگد. حالا در بورکینه فاسو اکثریت مردم نان بخور و نمیر دارند و عاید سرانه شان دوچند افغان هاست، و مهمتر از آن دختران بورکینه فاسو به مکتب می روند و کرزی جشن فراغت دخترش را از صنف ششم با اندوه برگزار می کند.

رهبران خلقی و پرچمی نیز در سایه تانک و روبل شوروی خواب های انترناسیونالیستی می دیدند و از نقش خود در عرصه بین المللی لاف می زدند. ترکی را تیوریسن کم نظیر و نابغه شرق می خواندند، و اگر مثل ملا هبت الله چند سالی دوام می آورد شاید گزیده سخنان و «رهنمودهای انقلابی» او تکثیر و به زبان های دیگر ترجمه می گردید تا کارگران جهان از او بیاموزند!

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

کرزی در چانهزنی‌هایش با امریکا بر سر ادامه حمایت‌های آن‌کشور در لویه جرگه ماه عقرب ۱۳۹۰ گفته بود که افغانستان شیر است، و امریکا باید با این کشور مثل شیر برخورد کند. ملت ما شایسته رفتار محترمانه جهان است، ولی حاکمان بیش از شیر یا حتی روباه به گرگ‌های شکاری، قاطرهای باری و گوسفندهای قربانی می‌مانند.

حالا نوبت ملا هبت‌الله و امارت‌اش رسیده تا توهم رهبری جهان اسلام و امارت مسلمین را در سایه توافقنامه دوحه در سر بپروراند. تکبر و خودبزرگ‌بینی ملا هبت‌الله بدتر از ترکی و کرزی است. او در خلای ناشی از پایان شرم‌آور جشن پیروزی «تاریخی» امریکا و ناتو، به قدرت رسیده است و تصور می‌کند که در یک گردنه تاریخی مهم ایستاده و مسیر حرکت ملت افغانستان و مسلمانان جهان را تعیین می‌کند. در پیام‌ها و فرامین او این توهم آشکار است. او بارها خطاب به جنگ‌جویان‌اش گفته که چشم مسلمانان دنیا به شما دوخته شده است، و قدر این پیروزی را بدانید!

ملا هبت‌الله و هم‌دستان‌اش دچار توهم پایه‌گذاری عصری جدید در تاریخ اسلام‌اند، و هنگام قیچی‌کاری نصاب تعلیمی، سانسور کتاب‌ها و مدرسه‌سازی دانشگاه‌ها تصور می‌کنند که الگوی فکری برای جهان اسلام معرفی می‌کنند.

ملا هبت‌الله رهبران مذهبی جهان اسلام را جدی نمی‌گیرد و امارت‌اش را بی‌نیاز از همکاری و رهنمایی آنان می‌خواند. برای نمایش «استقلال علمی» مثلا عیدها را متفاوت از همسایه‌گان و مراجع اسلامی معرفی می‌کند. امسال کشورهای اسلامی از جمله پاکستان، ایران، ترکیه و عربستان سعودی روز جمعه، ۶ جون را عید گرفتند اما ملا هبت‌الله یک روز بعد را عید اعلام کرد تا صاحب رای، متفاوت و مستقل به نظر برسد.

او مدعی‌ست که مسلمان‌ترین جنگ‌جویان را در اختیار دارد و در جهاد علیه یهود و نصارا پیروز شده است. حتی گفته می‌شود که او و اطرافیان‌اش نقش طالبان را در جهان اسلام با عثمانی‌ها و عباسی‌ها مقایسه می‌کنند. از این‌رو گمان نمی‌رود آنان از گذشته افغانستان بیاموزند، و در اثر فشار اجتماعی و چالش‌های حکومت‌داری تن به واقعیت‌ها بدهند. به نظر نمی‌رسد که ملا هبت‌الله از توهم ماموریت جهانی رها شود و بپذیرد که بازی‌گر تعیین‌کننده نیست، ابزار لازم برای بقای امارت‌اش را ندارد و هرگاه شرایط منطقه و جهان ایجاب کند یک‌شبه از تخت خواهد افتاد.

ملا هبت‌الله شاید هرگز نپذیرد که جهان اسلام او را جدی نمی‌گیرد، مردم افغانستان او را رهبر نمی‌بینند، و با معیارهای امروز او عالم نه بلکه کم‌سواد است. او شاید زمانی متوجه بی‌بنیادی امارت‌اش شود که مثل «نابغه شرق» یکی از نزدیکان دست به گلویش بگذارد، یا مثل هم‌ولایتی «شیر»‌اش با تغییر موضع بازی‌گران خارجی موسیچه شود. امارت غراضه ملا هبت‌الله در جمپ‌وجل سیاسی بعدی فرو خواهد پاشید. ولی آیا ملت افغانستان از این اتفاقات خواهد آموخت؟



آرشیف: نو یسنده در پورتال افغان جرمن آنلاین

د پانو شمېره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په څیر و لولئ